

# ویژگی‌ها و منهج تفسیری روض الجنان و روح الجنان

حمید رضا اسلامی

مقدمه

ابوالفتوح رازی از اندیشمندان و مفسران قرن ششم می باشد که مهم ترین اثر تألیفی ایشان تفسیر وزین و جامع روض الجنان و روح الجنان است. این تفسیر از چنان جامعیتی در تمام علوم و معارف اسلامی دینی - و به خصوص شیعی - برخوردار است که حکایت از جامعیت و احاطه آن به تمام علوم و معارف دینی می کند. ایشان به مناسبت واژه یا جمله ای در آیات شریفه قرآن و برای روشن کردن مراد آیات از علوم مختلف بهره می گیرد و آن علوم را وسیله و ابزاری برای تفسیر و کشف حجاب از معارف قرآنی قرار می دهد.

تنوع و گستردگی مباحث ابوالفتوح در ذیل آیات به گونه ای است که، آنکه دستی در تفسیر و علوم مقدماتی تفسیری و علوم دینی داشته باشد، متوجه می شود که ابوالفتوح بعد از کسب جامعیتی علمی دست به نگارش تفسیر زده است. این احاطه و جامعیت علمی است که ابوالفتوح را به بسیاری از بحث های استطرادی می کشاند و او دنبال بهانه ای می گردد، تا آنچه از معارف در سینه دارد به مخاطب خود منتقل کند.

ابوالفتوح رازی در مقدمه تفسیر در مورد ضرورت جامعیت تفسیر و مفسر این گونه می گوید که چون قرآن کریم جامع تمام علوم است پس آن کسی که می خواهد کشف حجاب از معارف قرآن کند باید جامع همه معارف و علوم باشد.

آنها [قرآن را] مجمع علوم کرد تا هیچ نوع از انواع علوم نباشد و الا در این کتاب یابند پس چاره نباشد آن را که تعاطی این علم کند و خواهد که در تفسیر تصنیفی کند از آن که از همه علوم که این کتاب عزیز متضمن است آن را و مشتمل است بر آن با بهره باشد، خصوصاً علم ادب و اطلاع ملاحن و کلام عرب و علمی که منسوب باشد به علم ادب

از: لغت و نحو و تعریف و علم نظم و معرفت بلاغت و صنعت شعر... و نیز باید که تا متقن بود علم اصول را تا اقوالی که قاذح بود در اصول بشناسد و اجتناب کند و تأویل آیات متشابه بر وفق اصول کند چنان که ادله عقل اقتضای آن کند و مطابق بود آیات محکم را، و باید تا فقیه باشد و... و این معنا تمام نشود تا عالم نباشد به اصول فقه...<sup>۱</sup> علاوه بر این ضرورتی که ابوالفتوح خود در مقدمه تفسیر بیانی می‌دارد ضرورت‌های دیگری باعث شده است که تفسیر ایشان از جامعیت و گستردگی خاصی برخوردار شود. یکی از این ضرورت‌ها عبارت است از ضرورت زمان.

زمان و عصر ظهور این تفسیر به گونه‌ای است که ابوالفتوح را واداشته بحث‌های گسترده و مباحث متنوعی را در ذیل آیات و به مناسبت مفهوم آیات مطرح نماید، قرن ششم هجری بعد از اختناق فکری و فرهنگی، سیاسی در قرون پیشین نسبت به تشیع، اولین قرنی است که شیعه فرصت نفس کشیدن و فعالیت فکری و فرهنگی پیدا می‌کند و می‌تواند معارف ناب شیعی را به جامعه عرضه کند. اگر چه قرن چهارم و پنجم نیز نسبت به قرون پیشین از این دو قرن فرصت فعالیت فکری برای تشیع بیشتر فراهم بود و لکن قرن ششم را می‌توان قرن تنفس علما شیعه و معارف شیعی نامید.

ابوالفتوح رازی نیز از علمایی است که از این فضای نسبتاً باز فرهنگی بهترین استفاده را می‌برد و در قالب نگارش یک تفسیر جامع، معارف تشیع را به جامعه شیعی منتقل می‌کند و در واقع ایشان به بهانه تفسیر قرآن کریم از یک سو معارف تشیع را با بیانی لطیف و خطابی برای شیعیان عصر خود تبیین می‌نماید و از سوی دیگر به مناظره و گفت‌وگویی غیر مستقیم با اهل سنت می‌پردازد و اختلاف فقهی، کلامی، تفسیری و... تشیع و تسنن را به بحث می‌نشیند و به اثبات برتری و صحت معارف تشیع می‌پردازد.

این ضرورت زمانه است که ادبیات نگارش این تفسیر را یک ادبیات واعظانه کرده است و ابوالفتوح از بیانی لطیف و خطابی برای انتقال معارف به جامعه شیعی و برای گفت‌وگوی غیر مستقیم با اهل سنت استفاده می‌کند.

تفسیر *روض الجنان* از زمره تفاسیر اجتهادی می‌باشد که مؤلف آن با تجربه و تحلیل مباحث قرآنی و با استفاده از مباحث لغوی و ادبی، تفسیر بالمأثور (تفسیر اثری)، تفسیر احکامی و تفسیر قرآن به قرآن و... به کشف مراد از آیات همت می‌گمارد.

آنچه این مقال در صدد بررسی و نمایان آن است، تبیین ویژگی‌ها، روش و منهج تفسیری

ابوالفتوح رازی است. در این نوشتار روشن خواهیم کرد که ابوالفتوح با طی چه فرایندی و با استفاده از چه علومی و بر اساس چه پیش فرض‌هایی به تفسیر آیات قرآنی می‌پردازد. برای محقق شدن این منظور، مقاله را در دو بخش جداگانه و مرتبط با هم مطرح خواهیم کرد.

۱. ویژگی‌های تفسیر: در این بخش بیشتر به خصوصیات تفسیر *روض الجنان* می‌پردازیم؛ به این معنا که همت خود را در این قسمت بر آن می‌گذاریم که توصیفی اجمالی و نسبتاً جامع از کل تفسیر برای مخاطب این نوشتار ارائه دهیم.

مثلاً در این بخش شیوه پردازش و طرح مباحث تفسیری را توسط ابوالفتوح بررسی می‌کنیم و چگونگی ورود و خروج ابوالفتوح را به آیات و سوره تبیین می‌کنیم.

۲. روش و منهج تفسیری: در این بخش به تجزیه و تحلیل روش ابوالفتوح در تفسیر می‌پردازیم و روشن خواهیم کرد که روشن و منطقی که ابوالفتوح در تک تک آیات بر اساس آن، مشکلات و عویصات آیات را حل کرده کدام روش یا روش‌ها می‌باشد. آیا تفسیر *روض الجنان* مانند بعض تفاسیر، تنها از روش و منطق «تفسیر قرآن به قرآن» بهره برده است یا اینکه این تفسیر تنها یک تفسیر روایی و بالمأثور است و یا یک تفسیر ادبی- لغوی است و یا مجموعه‌ای از اینها است.

تذکر: این نکته را در ابتدای ورود به بحث باید تذکر داد که نویسنده این سطور در صدد توصیفی اجمالی از تفسیر *روض الجنان* است و هر یک از عناوین مطرح شده در ادامه مقاله قابلیت دارد تفصیل و توضیح بیشتری داده شود به طوری که این مقاله در حد یک جلد کتاب قابل گسترش است. همچنین ما در مقاله به توصیف و گزارشی از *روض الجنان* بسنده کردیم و به نقد نظرات ابوالفتوح پرداختیم.

## ویژگی‌های تفسیری تفسیر *روض الجنان*

۱. نحوه ورود و خروج در تفسیر سوره‌ها و تک تک آیات (شیوه و مراحل پردازش و طرح مباحث تفسیری)

ابوالفتوح رازی (ره) هنگام ورود به تفسیر هر سوره:

الف: ابتدا به عنوان مباحث مقدماتی، مسائلی را همچون مدنی یا مکی بودن سوره، عدد آیات سوره و اقوال در آن، تعداد کلمات سوره را مطرح می‌کنند و روایاتی نیز در فضیلت آن سوره و فضیلت قرائت آن بیان می‌کنند.

ب: سپس هنگام ورود به مباحث اصلی تفسیری هر سوره از شیوه دسته بندی آیات بهره می بردند بدین صورت که ایشان آیات یک سوره را بر اساس اشتراک در موضوع و طرح یک مبحث خاص تقسیم می کنند یعنی آیاتی را که از نظر مضمون به یکدیگر ارتباط دارند و دارای وحدت سیاق و محتوا باشند را می آورند نه اینکه یک آیه را بیاورند و ترجمه کنند و به تفسیر آن پردازند. سپس ابوالفتوح قبل از تفسیر آن دسته آیات به ترجمه ای روشن از آن آیات همت می گمارند.

این روش ایشان در طرح دسته آیات هم سیاق، مبتنی بر یک پیش فرض علوم قرآنی است که قائل به ارتباط آیات یک سوره از قرآن با یکدیگر می باشند.

ج: بعد از ترجمه هر دسته از آیات به تفسیر تک تک آیات آن دسته همراه با لحاظ ارتباط آن دسته می پردازند و در مرحله تفسیر آیات، در هر آیه مباحث چندی را در صورت نیاز و اقتضای آیه مطرح می کنند:

- ذکر اقوال و نظرات مختلف مفسران از صحابه و تابعان و دیگران در مورد شأن نزول آیه با آیات مورد نظر؛  
- طرح اختلاف قراءات و ذکر نظرات مختلف در مباحث ادبی همچون مباحث لغوی و ترجمه واژه ها؛

- تجزیه و تحلیل و ذکر نظرات مختلف در مباحث ادبی همچون مباحث لغوی و ترجمه واژه های صرفی و به خصوص نحوی. در این قسمت ابوالفتوح دارای بحث هایی عمیق و نوآوری ها و نظرات جدید فراوانی نسبت به مفسران پیش از خود است که ایت حاکی از تسلط ایشان بر زبان و ادبیات عربی می باشد.

- تقطیع هر آیه به قسمت ها و جملات مختلف و پرداختن به تفسیر و کشف مراد از آنها: در این قسمت ابوالفتوح علاوه بر استفاده از علوم مقدماتی و ابزاری همچون ادبیات عرب، از علوم و مباحث دیگری چون کلام، فقه، اصول فقه و... بهره می گیرد و از روش های مختلف تفسیری همچون روایات و روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می کند.

- در ذیل آیات برای روشن شدن بیشتر مفهوم آیات، ابوالفتوح به طرح اقوال مختلف مفسران و احیاناً اهل معانی و عرفا و... می پردازد و مصادیق مختلفی را که در تفسیر آیات مشخص کرده اند مطرح می کند.

- طرح شأن نزول یا شأن نزول های مختلف در ذیل آیات.

- پرداختن به مباحث استطرادی کلامی، فقهی (اقوال فرق و مذاهب مختلف در مباحث

مرتبط با آیه) در ذیل آیات .

نکته: آنچه در بالا آمد یک تصویر کلی از مباحث اصلی مطرح شده در تفسیر روض الجنان می باشد که ممکن است همه یا بعضی از آنها در تفسیر آیات و سوره ها بکار گرفته شده باشد اما مباحث فرعی و خردی وجود دارد که در ذیل بعضی از آیات به مناسبت طرح شده است که ما در اینجا ذکر نکردیم .

## ۲. پیش فرض ها و مبانی تفسیری در روض الجنان

هر مفسری قبل از آنکه به تفسیر قرآن دست بزند ناگزیر است که موضع خود را نسبت به بعضی از پیش فرض ها، مبانی تفسیری و مباحثی که تفسیری نیستند و لکن در تفسیر مؤثر هستند، مشخص بنماید. پیش فرض ها و مبانی تفسیری، اصول ثابت و اصول موضوعه عامی هستند که در تفسیر بکار گرفته شده است .

این مبانی و اصول ثابت که بیشتر در کتب «علوم قرآنی» از آن بحث شده ممکن است در کتاب مستقلی توسط مفسر طرح شود و ممکن است همه یا بخشی از آن در مقدمه تفسیر مطرح شده باشند چنانچه در تفسیر تبیان و روض الجنان این چنین است و امکان دارد مفسری این مبانی و پیش فرض ها را بدون طرح کردن و ذکر نامی از آنها در تفسیر خود بکار گیرد. مانند آنچه در تفسیر «المیزان» رخ داده است .

ابوالفتوح نیز از این قاعده مستثنی نیست و تفسیر خود را بر اساس این پیش فرض ها و مبانی تفسیری بنا نهاده است که بخشی از آن در مقدمه آمده است و بخش زیادی از آن در خلال تفسیر جاری شده است بدون اینکه شاید ذکری از آن شود. با توجه به اینکه در تعریف، تبیین و توضیح این مباحث، اقوال مختلف و گاه متناقضی وجود دارد لازم است در این بخش نظر ابوالفتوح را در بعضی از این پیش فرض ها روشن نماییم .

مبانی و پیش فرض هایی که ابوالفتوح از آنها بهره می گیرد را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف: مبانی که به طور مستقیم مربوط به تفسیر است و اگر علمی به نام تفسیر نبود مثلاً آن مبانی و مباحث جایی برای مطرح شدن نداشت .

ب: مبانی که جزء مسائل علوم دیگر است و ابوالفتوح از آنها به عنوان اصول موضوعه در تفسیر استفاده می کند. از آنجا که این دسته از مبادی و مبانی تفسیری در قسمت های دیگر این مقاله مانند کارکرد علم اصول و کارکرد روایات و... به طور اجمال خواهد آمد از ذکر آن به

صورت جداگانه در اینجا خودداری می‌کنیم.

در این نوشتار به طور خلاصه تنها به چهار مورد از مبانی که مستقیماً مربوط به تفسیر است می‌پردازیم. که این مبانی یا در مقدمه روض الجنان از آن بحث شده و یا در جای جای تفسیر از آنها بهره گرفته شده است.

\* تفاوت تأویل و تفسیر: یکی از مبانی تفسیری که در کتب «علوم قرآن» مطرح شده و ابوالفتوح در مقدمه تفسیر از آن بحث می‌کند تفاوت تأویل و تفسیر است.

فوق از میان تفسیر و تأویل آن است که تفسیر، علم سبب نزول آیت است و علم مراد خدای تعالی، از لفظ تعاطی آن نتوان کردن الا از سماع و آثار، و تأویل چون کسی عالم باشد به لغت عرب و علم اصول را متقن باشد، او را بود که حمل کند آیت را بر احتمالات لغت چون قدحی نخواهد کردن در اصول و قطع نکند بر نراد خدای تعالی الا به دلیل<sup>۲</sup>. چنانچه از این کلام ابوالفتوح روشن می‌شود، تفسیر در نظر شیخ ابوالفتوح علم به سبب نزول آیه است و تنها راه دستیابی به این علم روایات و رجوع به اقوال شأن نزول است. در این تعریف ابوالفتوح «تفسیر» را مرادف «تنزیل» گرفته‌اند. اما تأویل، ترجیح یکی از احتمالات در معنای آیه است که بواسطه علم به لغت عرب و علوم مختلف حاصل می‌شود.

طبق این تفاوت و بر اساس آنچه ابوالفتوح در تفسیر آیات انجام می‌دهد روض الجنان را باید یک کتاب «تفسیری و تأویلی» دانست چرا که ابوالفتوح علاوه بر اینکه به بیان سبب نزول آیه می‌پردازد با استفاده از علوم مختلف به ترجیح یکی از احتمالات در معنای آیه نیز همت می‌گمارد و در واقع باید گفت روض الجنان بیشتر از اینکه یک کتاب تفسیری بنابر تعریف ابوالفتوح باشد یک کتاب تأویلی است.

نکته: سایر مفسران برای تعریف مفهوم تفسیر همان تعریفی را ارائه داده‌اند که ابوالفتوح در تعریف «تأویل» آورده است.

\* محکم و متشابه: یکی از مباحث بنیادین و اساسی که ابوالفتوح در مقدمه روض الجنان مطرح می‌کند تقسیم آیات قرآن به محکم و متشابه است. مفسر بر اساس تعریفی که از این دو واژه ارائه می‌دهد آیات را به دو قسمت تقسیم می‌کند به طوری که یک دسته از آیات (آیات متشابه) برای روشن شدن معنا و مفهومش نیاز به آیات دیگر (آیات محکم) دارد و در صورتی که تعریف دیگری از این دو واژه ارائه شود ممکن است آیه‌ای که بر اساس تعریف اول در زمره آیات متشابه قرار می‌گیرد، بر اساس تعریف دوم، آیه محکم به حساب بیاید.

حدّ محکم هر آن لفظی باشد که ظاهرش خبر دهنده بود از معنی بی اعتبار امری که ضمّ کنند به آن، و متشابه آن بود که مراد از ظاهر لفظ ندانند بی دلیلی، و الفاظ مشترک و محتمل را هم این حکم بود.<sup>۲</sup>

مثلاً ابوالفتوح در ذیل آیه ۷ سوره بقره «ختم الله علی قلوبهم...» می گوید:

بدان که این آیت از جمله آیت های متشابه است و ظاهر آیت چنان می نماید که، خدای تعالی بندگان را از ایمان باز دارد به مهر که بر دل ایشان نهد. و در آیت وجوهی هست از تأویل که آیت را از آن ببرد که مجتبه را به آن تمسکی باشد...<sup>۴</sup>

\* نسخ: از مباحث بنیادین دیگری که به عنوان پیش فرض در مباحث تفسیری مؤثر است بحث نسخ است و اینکه چه آیاتی ناسخ و چه آیاتی منسوخ است. در مقدمه روض الجنان تعریف نسخ و آیات ناسخ و منسوخ بیان شده است.<sup>۵</sup>

در متن تفسیر نیز به مناسبت آیات بحث های مختلفی در رابطه با نسخ مطرح شده از جمله اینکه «نسخ قرآن به خبر واحد درست نیست اما به خبر متواتر درست است». <sup>۶</sup> و در بعضی از جاها تفاوت «بدا» و «نسخ» را بیان می کند.<sup>۷</sup>

\* ارتباط آیات و وحدت تألیفی سوره ها: یکی از مباحثی که ابوالفتوح بر اساس آن به تفسیر آیات می پردازد ارتباط آیات یک سوره با یکدیگر و وحدت تألیفی سوره ها است. ایشان از این پیش فرض برای فهم و برداشت از آیات استفاده می کند. به طور نمونه ابوالفتوح در وجه اتصال و ارتباط مفهوم آیه ۱۳۴ با آیه ۱۳۳ بقره می فرماید:

در وجه اتصال این آیت به آیت مقدم، گفتند: چون حق تعالی از جهودان حکایت کرد که ایشان بر ابراهیم علیه السلام حوالت جهودی کردند، و ترسایان حوالت ترسایی کردند، حق تعالی در آیات مقدم جواب ایشان باز داد و رد کرد بر ایشان بقوله: أم کتم شهداء، آنگاه گفت: أحب که چنین است شما را از آن چیست، شما را از عمل او نپرسند و او را از عمل شما، و این وجهی نیکوست.<sup>۸</sup>

یکی از مباحثی که در ارتباط آیات با یکدیگر و ارتباط فقرات یک آیه برای فهم آیه مورد استفاده ابوالفتوح قرار گرفته است، بحث وحدت سیاق می باشد. این بحث را می توان یکی ضوابط و قواعد روش تفسیری «قرآن به قرآن» شمرد و در آنجا مورد بررسی قرار داد اما به عنوان نمونه تنها یک مثال در اینجا می آوریم و توضیح بیشتر را در بحث روش تفسیری خواهیم آورد. ابوالفتوح رازی در ذیل آیه ۲۶ بقره دو در شأن نزول را مطرح می کند و بر اساس سیاق آیه

یکی را ترجیح می دهد.

سبب نزول این آیت آن بود که چون خدای تعالی مثل زد به چیزهایی اندک... جهودان از آن بخندیدند و گفتند: خدای تعالی به این مثل زدن چه خواست به این چیزهای خسیس؟ این کلام خدای را نماند. خدای تعالی این آیت فرستاد ردّ بر ایشان... و این قول قتاده است. عبدالله عباس و عبدالله مسعود گفتند: چون خدای تعالی مثل زد منافقان را به آن دو چیز که در آیات مقدم برفت از مستوقد آتش و صیب و منافقان گفتند: خدای تعالی چگونه مثل زد به چیزی، و او از آن بزرگوارتر است که مثل زند! خدای تعالی این آیت فرستاد ردّ بر ایشان، و این قول اولی تر است از قول قتاده، برای آن که در آیات مقدّم ذکر آن مثلها و منافقان رفته است، پس این لایق تر باشد به سیاق آیات.<sup>۹</sup>

مباحث دیگری از علوم قرآنی وجود دارد که در این نوشتار جای بررسی و طرح آنها نیست مانند: بحث تفسیر به رأی و....

### ۳. کارکرد و نقش ادبیات عرب و علم لغت در روض الجنان

ابوالفتوح نیز مانند همه مفسران که بر اساس روش اجتهادی به تفسیر آیات پرداخته اند از ادبیات عرب به خصوص قواعد علم نحو به عنوان ابزاری برای راهیابی به حریم معانی قرآن استفاده برده است. با توجه به اینکه بررسی این نقش در روض الجنان به درازا می کشد و احتیاج به نوشتاری مستقل است در اینجا ما نقش علم لغت را در تفسیر ایشان برمی رسیم. در علم لغت و لغت شناسی دو نظریه متفاوت وجود دارد بعضی از لغت شناسان قائل به فروق بین لغات هستند بدین معنا که آنها مترادف بین لغات را منکر هستند صاحب کتاب «فروق اللغویه» از این دسته است. اما گروهی نیز وجود دارند که می گویند در کلام عرب لغاتی یافت می شوند که با هم مترادف دارند. ابوالفتوح رازی از دسته دوم می باشد یعنی در بعضی جاها بین دو لغت متقاربه المعنی تفاوت قائل می شود و گاهی نیز بین دو واژه ترف در معنی قائل می شود.

ابوالفتوح در هر آیه ای که به واژه و لغت خاصی برخورد می کند و در صدد تبیین و معنا کردن آن واژه برمی آید واژه های مشابه را نیز ذکر می کند و به نزدیکی و یا مترادف و یا تفاوت معانی آنها اشاره می کند ولی بیشتر اوقات تفاوت های چندی بین دو یا چند واژه بیان می فرماید. مثلاً در ذیل آیه ۳۰ سوره بقره به مناسبت واژه «سفک» در آیه، به تفاوت معنای آن



با دو کلمه «صبّ» و «سَفَح» اشاره می‌کند.

سَفَك در خون بکار دارند و صَبّ در دگر مایعات و سَفَح ریختن آب بود بر سبیل

تَضییع، از این کار زنا را سَفَاح خوانند که صاحبش آب ضایع می‌کند.<sup>۱۱</sup>

ابوالفتوح به مناسبت واژه «تَطْوَع» می‌گوید: «تَطْوَع و نَافِلَه و سَنَت به یک معنی باشد»<sup>۱۱</sup>

و یا می‌گوید: «واحد یکی باشد به معنی»<sup>۱۲</sup>

ابوالفتوح برای اشاره به تشابه معانی واژه‌ها و در عین حال تفاوت آن معانی در خصوصیات

از تعبیری چون: «نظیر»<sup>۱۳</sup> و «مقارِب المعنی»<sup>۱۴</sup> بهره می‌برد.

این سبک و روش ابوالفتوح تأثیر زیادی در تفسیر ایشان دارد مثلاً ایشان چون واحد و

أحد را مترادف می‌دانند تمام آیاتی که یکی از ایندو واژه در آنها آمده یکسان معنا می‌کنند. اما

بعض مفسران که «واحد» را مرادف «یکتا» و ناظر به وحدت عددی می‌دانند می‌گویند لازم

است برای نفی ذات دوم برای حضرت حق قید دیگری مانند «قَهَّار» اضافه شود «هو الله

الواحد القهَّار» این مفسران «أحد» را مرادف «یگانه» و بساطة ذات می‌دانند.

#### ۴. کارکرد علم اصول فقه در تفسیر روض الجنان

یکی از علوم ابزاری که بعضی از مسائل آن در علم تفسیر بکار می‌رود و می‌توان آن

مباحث و مسائل را به عنوان مبادی و پیش فرض علم تفسیر نام برد مباحث علم اصول فقه

است. این قواعد و مباحث اصولی همان قواعد عامی است که در بحث الفاظ علم اصول

مطرح شده است. این قواعد به جهت عمومیت آنها اختصاص به آیات الاحکام و روایات

فقهی ندارند بلکه در کلام عرب جاری می‌باشند. ابوالفتوح رازی چنانچه در مقدمه تفسیر به

آن اشاره می‌کند و ما در مقدمه این نوشتار آوردیم از این مباحث به صورت گسترده و در جای

جای تفسیر بهره برده است، اگر چه ممکن است ابوالفتوح در علم اصول فقه صاحب نظرات

مختص به خود نباشد و از نظرات مشهور استفاده می‌برد و لکن با تصریح به قواعد اصولی و

بدون تصریح، آن قواعد را در فهم آیات بکار گرفته است.

از کلیدی‌ترین قواعدی که ابوالفتوح برای فهم آیات از آنها بهره می‌برد بحث مفاهیم

است. ایشان قائل است مفاهیم چه مفهوم شرط و چه مفهوم وصف و... باطل است یعنی

قائل است مفهوم باطل است. از بحث مفاهیم در روض الجنان تعبیر به دلیل الخطاب شده

است. برای نمونه ابوالفتوح در ذیل آیه ۱۸۳ بقره و در تفسیر این آیه مفهوم داشتن جمله «یا ایها

الذین آمنوا» را رد می‌کند و می‌گوید حکم این آیه - یعنی وجوب صیام - اختصاص به مؤمنین

ندارد و شامل کفار هم می‌شود.

بدان که ظاهر آیت خطابش متوجه است بر مؤمنان، و اما کافران داخلند در این عبارت به دلیلی دیگر جز ظاهر آیت... اما در آیت دلیل نیست بر آن که کفار مخاطب نیستند به شرایع برای آن که دخول مؤمنان در خطاب به دلیلی منع نکند از دخول کافران در آن خطاب به دلیلی دیگر و این قول به دلیل الخطاب باشد و آن باطل است به نزدیک بیشتر اهل علم.<sup>۱۵</sup>

ابوالفتوح با این قاعده اصولی به اقوال فقهی و تفسیری دیگران پاسخ می‌دهد.<sup>۱۶</sup> یکی دیگر از قواعد اصولی که در روض الجنان برای تفسیر آیات بکار گرفته شده است بحث «حکم امر عقیب حضر» است. مثلاً ابوالفتوح در ذیل آیه ۲۲۲ بقره به مناسبت امر عقیب حضر در این آیه می‌گوید:

خلاف کردند فی الأمر الوارد بعد الحظر. مذهب فقهاء آن است که: ایجاب اباحت کند، و مذهب ما آن است که: حکم او همان باشد که قبل الحظر بوده باشد من اشتراکه بین الوجوب و الندب و تقدّم حضر را هیچ اثر نبود در تغییر حکم او پس معنی آن است که: آنچه محظور بود اکنون مطلق است.<sup>۱۷</sup>

از مسائل دیگری که در روض الجنان بکار گرفته شده است عبارتند از: بحث دلالت صیغه امر<sup>۱۸</sup> تأخیر جواز تأخیر بیان از وقت خطاب<sup>۱۹</sup>، بحث اجماع و اینکه چه اجماعی حجّت است<sup>۲۰</sup>، جواز استعمال لفظ در اکثر از معنا<sup>۲۱</sup>، بطلان تخصیص قرآن به خبر واحد<sup>۲۲</sup> و...

## ۵. کارکرد و نقش علم فقه در تفسیر روض الجنان

ابوالفتوح رازی (ره) بر خلاف بسیاری از مفسران پیش از خود همچون شیخ طوسی در تبیان و مفسران هم عصر خود همچون علامه طبرسی در مجمع البیان به سبب ضرورت زمان وارد بحث‌های فقهی نسبتاً مفصّلی در ذیل آیات شده است. ایشان به مناسبت واژه‌ای در آیه و یا به مناسبت بیان حکم فقهی در آیه به تبیین نظرات مختلف در آن مسئله فقهی می‌پردازد و این ناشی از ضرورت زمانه ابوالفتوح است. با توجه به اینکه زمان تألیف روض الجنان زمانی است که شیعه توانست در برابر فرق دیگر مسلمین تنفس و عرض اندامی بکند این ضرورت پیدا شد که شیعه تفوق و برتری خود را در علوم مختلف از جمله فقه بر سایر فرق و مذاهب فقهی بنمایاند، ابوالفتوح نیز از این زمینه استفاده کرد و از هر فرصتی برای طرح مباحث فقهی شیعه بهره برد. ایشان برای اینکه برتری فقه مبتنی بر ظاهر آیات و روایات اهل بیت را نشان

دهد. گاهی در ذیل آیات الأحکام به طرح نظرات فقهی شیعه در مسئله ای خاص و نقد نظرات دیگران از اهل سنت می پردازد. ۲۳ و گاهی نیز در ذیل آیاتی غیر از آیات الأحکام و تنها به مناسبت واژه ای نظرات فقهی را مطرح و مقایسه می کند. ۲۴ گاهی نیز تنها نظر فقهی علمای شیعه را مطرح می کند. ۲۵

ابوالفتوح علاوه بر اینکه به طرح مباحث فقهی می پردازد ادله ای را نیز در بیان اثبات آن احکام بیان می کند یعنی بیشتر اوقات نظر مشهور بین فقهای شیعه را مطرح می کند و برای آن دلایل مختلف و محکمی می آورد و بیشتر مباحث فقهی را مستدل به روایات اهل بیت می کند. به عنوان نمونه در ذیل آیه ۲۷۱ بقره: *إِن تَدُوا الصَّدَقَاتِ فَنَعْمَا هِيَ وَإِن تَخْفَوْهَا وَتَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ...* می گوید:

بیشتر علماء گفته اند: آیت در باب صدقه تطوع است برای آن که اجماع علماء کند که زکات فریضه اظهارش اولی تر از اخفا باشد برای دو وجه: یکی برای نفی تهمت تا مردم نگویند این مرد زکات نمی دهد فاسق است از او تبرا کنند. دوم تا مردمان ببینند به او اقتدا کنند، چنان که نماز فریضه در مسجد به جماعت فاضل تر بود از آن که در خانه تنها، و نوافل در خانه اولی تر بود تا از ریا دورتر باشد. و عمّار ذهنی روایت کرد از باقر- علیه السلام- که او گفت مراد بقوله تعالی: *إِن تَدُوا الصَّدَقَاتِ*، زکات فریضه است، و *إِن تَخْفَوْهَا* مراد صدقه تطوع است و اسم صدقه هر دو را شامل است فی قوله: *إِنَّمَا الصَّدَقَاتِ لِلْفُقَرَاءِ*. ۲۶

## ۶. کارکرد علم کلام و مباحث اعتقادی در روض الجنان

یکی از علومی که در خلال تفسیر روض الجنان حضوری پر رنگ و قوی دارد مباحث مربوط به علم کلام و مباحث اعتقادی اصلی و فرعی است. این مباحث نیز مانند مباحث فقهی برای مناظره غیرمستقیم و پاسخگویی به فرق مختلف کلامی مطرح شده است.

ما در این نوشتار در صدد بیان تفصیلی این بحث نیستیم چرا که پرداختن به این مبحث خود اقتضای مقاله ای مستقل را می کند. اما فقط به آن اشاره می کنیم و چندین شاهد را از متن روض الجنان می آوریم.

ابوالفتوح گاهی مباحث کلامی را به مناسبت آیه و به اقتضای کلمه ای در آیه به طور مستقل مطرح می کند یعنی بدون اینکه بخواهد پاسخی به یکی از فرق باطل کلامی بدهد آن بحث را مطرح می کند و نظر شیعه و امامیه را در آن مسئله تبیین می کند. مثلاً در ذیل آیه ۱۴۳

بقره: ... **الآن لعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه**، که در رابطه با تغییر قبله است بحث علم الهی و امتحان الهی را مطرح می‌کند و به شبهه‌ای که به آیه وارد می‌شود پاسخ می‌گوید: اکنون ظاهر آیت آن است که: ما قبله برای آن برگردانیدیم تا بدانیم که کیست که تبع تو خواهد بودن از آن که برخواهد گشتن، یعنی تا فرق بدانیم میان دوست و دشمن و موافق و منافق و این بر عالم الذات روا نباشد.

جواب از این آن است که: این آیت جاری مجرای آیاتی است که متضمن است لفظ ابتلا و امتحان را... و وجهی دیگر آن است که: مراد به لفظ، اختبار و امتحان است و آن را علم خواند برای آن که در شاهد سبب علم باشد و عند آن علم حاصل شود یکی را از ما پس بر سبیل توسع او را به جای آنها بنهاد... ۲۷

در ذیل بعضی از آیات نیز ابوالفتوح به استناد مفاد آیه قول یکی از فرق باطل کلامی را باطل می‌کند و بر ضد آن قول از آیه شاهد می‌آورد. مثلاً در ذیل آیه ۴ سوره بینه: و ما تفرق الذین اوتوا الكتاب الا من بعده ماجاءتهم البینه، می‌گوید به ساتناد این آیه قول مجتبره را باطل می‌داند:

آیت دلیل است بر بطلان قول مجتبره که گفتند: کافران را در اصل کافر آفریدند، برای آن که خدای گفت: متفرق نشدند الا از پس آن که حجّت به ایشان آمد، و لازم نیاید بر این آیت که بینه و ورود او مفسدت باشد برای آن که فساد عند آن حاصل آید برای آن که مفسدت آن باشد که فساد حاصل آید عند آن. ۲۸

و در جای دیگر به استناد مفاد آیه بطلان احباط را به اثبات می‌رساند چنانچه در ذیل آیه: **فمن يعمل مثقال ذرة خیراً يره و من يعمل مثقال ذرة شراً يره** (زلزال، ۷/۹۹-۸) می‌فرماید:

و در آیت دلیل است بر بطلان احباط برای آن که خدای تعالی گفت: هر خیری و شری تا به مثقال ذره‌ای آن را جزا باشد و صاحبش ببیند و دلیل نکند بر آن که خدای تعالی مرتکب کبیره را نیامرزد. ۲۹

بعضی اوقات نیز ابوالفتوح (ره) به استناد مخالفت یک قول تفسیری یا شأن نزول با ادله عقلی آن قول تفسیری یا شأن نزول را رد می‌کند. ۳۰ گاهی نیز مفاد آیه به گونه‌ای است که شبهه‌ای را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند (مانند شبهه جبر) و ابوالفتوح در صدد پاسخ به آن شبهه از منظر نظرات کلامی شیعه و امامیه برمی‌آید. مانند پاسخ ابوالفتوح به شبهه جبری که از مفاد آیه ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم... (بقره، ۷/۲) استشمام می‌شود. ۳۱

مباحث کلامی تفسیر روض الجنان گاهی اصلی است و گاهی استطرادی، گاهی مباحث کلان کلامی است و گاهی مباحث فرعی و خرد کلامی مانند سؤال قبر، بحث بدا و... ۳۲

تذکر این نکته لازم است که مباحث کلامی در تفسیر روض الجنان گاهی به عنوان جزئی از مباحث تفسیری مطرح شده و برای روشن شدن مفاد آیه از آنها استفاده شده و گاهی به طور حاشیه‌ای و تنها به کوچک‌ترین مناسبت مطرح شده و شاید در اکثر مواضع ابوالفتح نظرات مشهور امامیه را مطرح کرده و نظر خاصی غیر از نظر مشهور ارائه نداده است.

### ۷. کارکرد و نقش روایات در تفسیر روض الجنان

روایات و مباحث مربوط به آن نقش بسیار گسترده‌ای در تفسیر روض الجنان دارد، به طوری که می‌توان گفت گسترده‌ترین بخش از بخش‌های تفسیر مربوط به روایات و استفاده از روایات است. ابوالفتح رازی - چنانچه جناب استاد عسکر حقوقی شمارش کرده‌اند - در روض الجنان حدود ۲۰۱۷ روایت را از عامه و خاصه در تفسیر خود به کار گرفته‌اند که ۱۸۲۱ عدد از آنها روایات نبوی و ۱۹۶ عدد از آنها روایات مستند به اهل بیت می‌باشد. ۳۳ ابوالفتح رازی در دو موضع در مقدمه تفسیر خود تأکید می‌کنند که تفسیر قرآن و یافتن مراد خدای تعالی تنها بواسطه روایتی از پیامبر اکرم (ص) و یا ائمه اطهار (ع) امکان دارد و تنها قول ایشان در تفسیر مفاد آیات حجّت است. مثلاً هنگام تقسیم معانی قرآنی می‌فرمایند:

... و قطع نکنند به مراد خدای تعالی الا به نصی از رسول - علیه السلام - یا از ائمه - علیهم السلام که قول ایشان حجّت باشد در دین. ۳۴

در جای دیگر برای تبیین تفسیر به رأی، ملاک تفسیر به رأی نبودن را استناد به روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌داند و می‌فرماید:

اکنون بدان که درست شده است به روایات صحیحه که تعاطی تفسیر قرآن نشاید کرد و اقدام کردن بر بیان و شرح آن الا به اخبار از رسول - علیه السلام - و از ائمه حق چه قول ایشان نیز مسند باشد به رسول خدا و به رأی خود تفسیر نشاید کردن... ۳۵

ابوالفتح رازی با همه تأکیدات در مورد استناد تفسیر قرآن به حجّت و روایات معصوم باز هم می‌بینیم بیشتر روایاتی که از آنها بهره برده روایات نبوی می‌باشد. در حالی که راویان این روایات از حسن شهرت در میان علماء شیعه برخوردار نیستند و حتی بیشتر آنها سوء شهرت دارند و کذاب و جعل کننده حدیث به شمار می‌روند. روایاتی چون ابوهریره، عبدالله بن

عمر، ابوموسی اشعری، حسن بصیری، عایشه و ... .

ایشان در یک جا با دقت فراوان به نقد و ردّ سند روایتی می‌پردازد که منسوب به اهل بیت است و این ردّ را به استناد این مطلب انجام می‌دهد که در لغت و شرع (تفسیر قرآن به قرآن) خلاف مفاد این روایت ثابت شده است. مثلاً ذیل آیه ۲ بقره «الذین یؤمنون بالغیب» در معنای ایمان می‌فرماید: «بدان که حقیقت ایمان تصدیق به دل باشد هم در لغت و هم در شرع... خدای عزوجل هر کجا ایمان گفت در قرآن، به دل بازست و اضافت به دل کرد...»<sup>۳۶</sup> و بعد به استناد به همین تفسیر از ایمان، روایت منسوب به امام رضا (ع)<sup>۳۷</sup> را به خاطر ضعف سند ردّ می‌کند. «اهل اخبار گفتند: ایمان تصدیق به دل باشد و اقرار به زبان و عمل به ارکان و اخباری که در این باب روایت کرده‌اند بعضی مردود است از آن که سندش مطعون است و بعضی آحاد است که ایجاب علم نکند و آنچه به ادله قاطعه درست شده باشد برای آن ترک نکنند.

در جای دیگر ابوالفتوح رازی (ره) برای تفسیر آیه قرآن به روایتی استناد می‌کند که به نظر بسیاری از مفسران، این روایت هم از جهت سند دارای اشکال است، هم خلاف ظاهر آیات قرآن است مثلاً در توضیح چگونگی خلقت حواّ به روایتی استناد می‌کند که علامه طباطبایی آن روایت را مردود می‌داند و سند آن و دلالتش را ردّ می‌نماید.<sup>۳۸</sup> ابوالفتوح در ذیل آیه ۳۵ بقره می‌گوید:

در خبر است که رسول علیه السلام گفت: خدای تعالی زنان را از استخوان پهلو آفرید و آن کژ باشد اگر خواهی تا راست بازکنی بشکنی و اگر استمتاع کنی بدو در او کژی باشد و ظاهر قرآن بر این است...<sup>۳۹</sup>

چنانچه ملاحظه می‌شود ابوالفتوح در استفاده از روایات وحدت رویه ندارد در یک جا روایات منسوب به اهل بیت را مردود می‌شمارد و در عین حال این حجم از روایات از کسانی نقل می‌کند که شکی در کذاب و جعل بودن آنها نیست بدون اینکه بحث سندی و دلالتی خاصی کند.

ما در این مجال در صدد نقد روش ایشان و بررسی سند و دلالت روایات مورد استفاده ایشان نیستیم بلکه می‌خواهیم کارکرد و نقش روایات را در تفسیر ایشان بنمایانیم. روایاتی را که ابوالفتوح از آنها بهره برده است می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف: روایاتی که مستقیماً مربوط به آیه مورد بحث می‌باشد و آن روایاتی است که از

پیامبر اکرم (ص) یا ائمه در تفسیر یک آیه خاص و یا بخشی از آیه بدست ما رسیده است، این دسته از روایات در اصطلاح به «روایات تفسیری» مشهور هستند و کتب تفسیر روایی متکفل آنها هستند.

ب: روایاتی که توسط ابوالفتوح در ذیل آیات و به مناسبت مفاد آیه مطرح شده اند اما در آن روایت اشاره و سخنی از آیه مورد نظر نیست. این دسته از روایات را نیز می توان به دو بخش تقسیم کرد: یکی روایاتی که ابوالفتوح از آنها بهره برده است تا کلمه و واژه یا قسمتی از آیه را تفسیر کنند؛ یعنی باینکه روایت ناظر به این آیه از معصوم صادر نشده است و لکن در روایت تفسیر واژه یا مفادی از آیه حضور داشته لذا به کار تفسیر آیه می آمده است. بخش دوم روایاتی است که تنها به مناسبت مطرح شدن مفادی در آیه مورد نظر طرح شده و تفسیر قسمتی از آیه به شمار نمی رود و به نحو استطرادی به آن پرداخته شده است.

در اینجا ما تنها شواهدی را از بخش دوم از دسته دوم خواهیم آورد و روایات مربوط به دسته اول و بخش اول از دسته دوم را در ذیل بحث روش و منهج تفسیری تفسیر *روض الجنان* خواهیم آورد و تعداد زیادی از روایات را هم که مربوط به اهل بیت و مناقب و ولایت آنها است، در ذیل عنوان «جایگاه اهل بیت در تفسیر *روض الجنان*» تقسیم بندی خواهیم کرد. اما روایاتی که در ذیل آیات به مناسبت آیه مطرح شده اند و تفسیر آیه یا قسمتی از آن را به عهده ندارد (به نحو استطرادی به آنها پرداخته) را می توان به نحو کلی به چند گروه تقسیم کرد:

۱. تبیین و تفصیل احکام الهی در آیات الاحکام: مثلاً ابوالفتوح در ذیل آیه ۲۳ سوره نساء «و أمهاتکم اللاتی أرضعنکم...» روایتی در مورد رضاع و شرط تحریم به رضاع را بیان می کند. ۴۰

۲. بیان احکامی که در قرآن کریم تشریح نشده: به عنوان در ذیل آیه ۱۵ نساء «و اللاتی تأتین الفاحشة من نساءکم...» روایتی را در مورد احکام رجم می آورد که این حکم در قرآن بیان نشده. ۴۱

۳. بیان شواهد روایی برای اقوال تفسیری: مثلاً در تفسیر «حکمت» اقوالی را از مفسران نقل می کند و برای بعضی از آنها شاهد روایی می آورد. «ربیع انس گفت: مراد ترس خداست، بیانش قول رسول علیه السلام: خشية الله راس كل حکمة. ۴۲»

۴. بیان روایات اخلاقی در ذیل آیات: مثلاً در ذیل آیه ۱۱۱ بقره به مناسبت ذکر امانی و آرزوهای بی پایه یهود، روایاتی چند در مذمت آرزو بیان می کند. «امیرالمؤمنین علیه السلام

می گوید: لا تتكل على المنى فانها بضایع النوكى گفت: بر تمنا اعتماد نکنی که آن بضاعت احمقان است و...»<sup>۴۳</sup>

۵. ذکر حکایات روایی به مناسبت آیه: مثلاً در ذیل آیات خلقت یک حکایت روایی از قضاوت امیرالمؤمنین (ع) در مورد شخص خنثی و دارای آلت زنانه و مردانه نقل می‌کند.<sup>۴۴</sup>

۶. بیان روایاتی در مورد شرایط و حدود دستور الهی موجود در آیه: به عنوان نمونه در ذیل آیه ۲۶۳ بقره روایاتی را در مورد شرایط انفاق و چگونگی آن بیان می‌دارند.<sup>۴۵</sup>

البته قابل تذکر است که روایات مورد استفاده ابوالفتوح در بخش غیر تفسیری منحصر در این شش موضوع نیست و می‌توان موضوعات متعدد دیگری را در تفسیر روض الجنان پیدا کرد که در آنها از روایات استفاده شده لکن ما در صدد احصاء تمام موضوعات نیستیم.

#### ۸. کارکرد اشعار، حکایات و اقوال صوفیه

ابوالفتوح رازی در ذیل آیات و به مناسبت مفاد مضمون آیات از اشعار و حکایات و اقوال عرفاء و صوفیه مطالبی به طور نسبتاً گسترده استفاده برده است. از یک سو ابوالفتوح تفسیر خود را برای طالبان معارف دینی و برای مخاطب عمومی نوشته است و از سوی دیگر ابوالفتوح واعظی متبحر و زبردست بوده است و قبل از اینکه ایشان یک نویسنده توانا باشد یک خطیب ماهر و ذوالفنون می‌باشد و از سوی سوم بهترین راه تلطیف معارف و نزدیک کردن معارف دینی به سوی مخاطب استفاده از ادبیات و هنر دینی است. این موسسه عامل همه با هم باعث شده ابوالفتوح رازی (ره) برای ترفیق و نشان معارف قرآنی بر جان و روح مخاطب خود از اشعار فارسی و عربی به حکایات لطیف و آموزنده و از اقوال کوتاه و رسای هنری عرفاء و صوفیه بهره برد و گاهی نیز از جملات قصار و موزون و مسجع بسیار زیبا استفاده کند.

ابوالفتوح آنگاه که می‌خواهد سخنی را از صوفیه و عرفاء در ضمن سایر اقوال تفسیری نقل کند گاهی از تعبیری چون «اهل معانی» و «اهل اشارت» استفاده می‌کند<sup>۴۶</sup> و گاهی نیز با ذکر اسم، از یکی از عرفا آن قول را مطرح می‌کنند. اسم‌هایی مانند ابراهیم ادهم، رابعه عدویه، بغدادی، فضیل عیاض و یحیی معاذ و...<sup>۴۷</sup>

استفاده از اشعار فارسی و عربی، حکایات، حکایات روایی و کلمات نغز و زیبای عرفا، در میان مفسران شیعه به این گستردگی و شاید به طور مطلق سابقه ندارد و این از اختصاصات تفسیر روض الجنان و روح الجنان است البته می‌توان با تتبع اجمالی به این مطلب پی برد که تفسیر روض الجنان در بخش استفاده از اقوال عرفا و کلمات آنها از تفسیر



ثعلبی بهره برده است. چنانچه در جای خود قابل اثبات است.

## ۹. اهل بیت و بیان مناقب آنها در روض الجنان

یکی از خصوصیات آنکه در این تفسیر نسبت به تفاسیر شیعی قبل از آن به چشم می خورد، مطرح کردن مباحث مربوط به اهل بیت (ع) می باشد. در این تفسیر برخلاف تفاسیر قبل از آن، مباحث مربوط به اهل بیت و خصوصاً مربوط به اقامت و ولایت علی بن ابی طالب (ع) به خوبی و به صورت بسیار گسترده مطرح شده است.

ابوالفتوح که بک عالم شیعی مذهب است و در صدد دفاع از مبانی و اصول تشیع در زمان خود برده است. در جای جای تفسیر خود و به مناسبت های مختلف در مورد مناقب «اوصاف اهل بیت»، شایستگی آنها برای امامت و ولایت بعد از پیامبر اکرم (ص) و مباحث کلامی و اعتقادی مربوط به اهل بیت، به تفصیل سخن گفته است. دانشمند ارجمند عسکر حقوقی، در کتاب خود در مورد این تفسیر شریف می نویسد:

به عقیده علمای اهل فن، تفسیر مزبور از هر جهت بی نظیر می باشد، چه از جهت تشیع، جنبه قوی و درخور توجهی دارد و شیخ در اثبات تفسیر هر جا که فرصتی به دست آورد و مناسبتی دید، جانب شیعه را تقویت نمود.<sup>۴۸</sup>

شاید این خصوصیت نسبتاً انحصاری تفسیر روض الجنان، برخاسته از شرایط زمانی و مکانی این مفسر باشد؛ چرا که زمان زندگی و زیستگاه وی، زمان و مکان منازعات و مناظرات فرق مختلف اسلامی بوده است. استاد ارجمند عسکر حقوقی در این باره می فرماید:

تقویت جنبه تشیع در تفسیر قرآن مخصوص شیخ است و مفسران دیگر به ندرت جانب شیعه را در تفسیر منظور و مرعی داشته اند؛ از جمله تفسیر طبرسی که در بعض موارد به کلی فاقد بحث مزبور می باشد.<sup>۴۹</sup>

ما در این نوشتار به تفصیل وارد این بحث نخواهیم شد و تنها به تقسیم بندی آیاتی که در ذیل تفسیر آنها به مباحث مربوط به اهل بیت و مناقب آنها پرداخته شده اشاره می کنیم:<sup>۵۰</sup>

الف) آیاتی که به سبب وقوع واقعه ای یا انجام دادن عملی از سوی اهل بیت نازل شده اند، ولی معنا و مفادشان قابل صدق بر غیر اهل بیت هم می باشد و می توان آنها را بر معنای عام حمل کرد؛ مانند آیه ۲۰۷ سوره بقره: و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله... که ابوالفتوح بعد از ذکر اقوال مختلف در شأن نزول آیه می گوید:

عبدالله عباس گفت و در تفسیر اهل بیت آمده است که: آیت در شأن امیرالمؤمنین

علی علیه السلام آمده در شب غار [شب خوابیدن امیرالمؤمنین در بستر پیامبر]... ۵۱  
 ابوالفتوح سپس به توضیح و بسط مفصل داستان «لیلة المبيت» می پردازد و بسیار محکم  
 از این شأن نزول دفاع می کند.

ب) آیاتی که تنها در مورد حضرت علی و اهل بیت (ع) نازل شده اند و مصداقی به جز  
 ائمه نمی توانند داشته باشند: مانند آیه تطهیر انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و  
 یطهرکم تطهیرا (احزاب، ۳۳ / ۳۳) ابوالفتوح در ذیل این آیه می گوید مراد از اهل بیت: علی و  
 فاطمه حسن و حسین است. ۵۲

ج) آیاتی که شأن نزول آنها خصوص اهل بیت نیست، بلکه خطابی عام دارند ولی این  
 آیات در روایات، به علی بن ابی طالب (ع)، حضرت مهدی و ظهور ایشان و یا اهل بیت  
 تأویل شده اند و در واقع اهل بیت کامل ترین مصداق آیه شمرده شده اند؛ مثلاً ابوالفتوح در  
 ذیل آیه ۱۵۰ سوره بقره: لَأْتِمَّ نَعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ می فرماید:  
 «از تمام نعمت بر مکلفان ولایت امیرالمؤمنین است». ۵۳

د) آیاتی که بعد از نزول، به جز علی (ع) هیچ کس دیگری به آنها جامه عمل نپوشانده و  
 اگر چه خطاب و مفادشان عام است. اما در روایات تنها علی (ع) عامل آن شمرده شده  
 است؛ مانند آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله معروف به آیه نجوا، در این آیه به مؤمنان دستور  
 داده شده که هر گاه با پیامبر اکرم (ص) نجوا کردید باید صدقه بدهید.  
 ابوالفتوح در ذیل این آیه شریفه می گوید:

تنها امیرالمؤمنین با دادن صدقه، به این آیه عمل کرد. ۵۴

ه) آیاتی که جزء هیچ کدام از این چهار دسته نیستند؛ ولی ابوالفتوح به مناسبت مفاد آیه  
 یا به بهانه لفظی در آیه به نحو استطرادی وارد بحث اهل بیت، مناقب آنها و دفاع از ولایت و  
 امامت ایشان شده است؛ مثلاً به مناسبت جمله «فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ» در آیه ۹۵ بقره، که در مورد  
 یهود و خطاب به آنهاست، نگاه امیرالمؤمنین (ع) به مرگ و تمنای مرگ را از طرف ایشان  
 مطرح می کند. ۵۵

تذکر: ویژگی‌ها و خصوصیات دیگری را نیز می توان برای تفسیر روض الجنان شمرد اما  
 به جهت اختصار به آن نمی پردازیم. یکی از این خصوصیات بسیار مهم تأثیر پذیری فراوان و  
 گسترده ابوالفتوح از تفسیر شریف تبیان است که به طور نسبتاً مفصل در مقاله ای با عنوان  
 «مقایسه تطبیقی تفسیر روض الجنان و روح الجنان با تفسیر تبیان» توسط نگارنده بحث شده

است و در مجموعه مقالات کنگره اندیشه‌های ابوالفتوح به چاپ رسیده است.

## ۲. روش و منهج تفسیری ابوالفتوح رازی

ابوالفتوح علاوه بر استفاده از یکسری از مباحث و علوم مقدمه‌ای و ابزاری در تفسیر خود و کشف حجاب از آیات دارای منهج و روش خاص تفسیری است، البته منهج و روش تفسیری ایشان یک روش بسته و تنها مبتنی بر یک شیوه و منهج خاص نیست بلکه منهج ایشان در تفسیر یک منهج ترکیبی و بر اساس ترکیب روش‌ها است. مجموعه روش ایشان را می‌توانیم «روش اجتهادی» که مبتنی بر تجزیه و تحلیل مفاد آیه است بنامیم و ایشان در این روش اجتهادی از روش‌ها و منهج‌های مختلفی استفاده کرده است که مجموع روش‌ها تفسیر *روض الجنان* را شکل داده است. این روش‌ها عبارتند از: روش تفسیری قرآن به قرآن، تفسیر اثری و روایی، تفسیر عقلانی، تفسیر به شأن نزول و ... .

از آنجا که در بخش «ویژگی‌های تفسیری» از نقش عقل و علم کلام در تفسیر ایشان به اجمال سخن گفتیم، در اینجا از روش‌های دیگر تفسیری سخن خواهیم راند و شواهدی را بر آنها ذکر می‌کنیم.

### ۱. بررسی روش تفسیری روایی (تفسیر بالمأثور)

چگونگی استفاده ابوالفتوح از روایات برای تفسیر آیات و فهم معانی قرآن را می‌توان به چند وجه تبیین و تقسیم کرد:

\* تبیین معنای واژگان قرآنی: مثلاً در ذیل ۱۷۷ بقره به مناسبت کلمه «مساکین» و برای روشن کردن معنای این واژه روایتی را نقل می‌کند: «گفته‌اند: مسکین آن باشد که اگر چه محتاج بود از مردم چیزی نخواهد و در خبر است که رسول علیه السلام گفت: ... مسکین نه این درویش گردنده باشد که او را باز گرداند یک خرما یا دو خرما و یک لقمه یا دو و لکن مسکین ضعیفی باشد که از مردم چیزی نخواهد و نداند خواستن، مردم او را شناسند تا بر او صدقه کنند». ۵۶

یا در جای دیگر برای روشن شدن معنای کلمه قرآنی «عفو» به روایت استناد می‌کند. ۵۷

\* تبیین مصداق برای مفاهیم عام قرآنی: مانند روایتی که در ذیل آیه «غیر المغضوب علیهم و لالضالین» آورده شده که در این روایت مصداق «المغضوب علیهم» جهودان معرفی شده است و مصداق «الضالین» ترسایان دانسته شده است. ۵۸

\* تخصیص مفاهیم عام آیات با روایات: ابوالفتوح در ذیل آیه ۸۲ انعام «الذین آمنوا و لم

یلبثوا بظلم اولئک...» روایتی را نقل می‌کند که این آیه مخصوص است. «از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کنند که: آیت مخصوص است به ابراهیم علیه السلام.»<sup>۵۹</sup>

\* تأکید معنای ظاهر از آیات: مثلاً به مناسبت معنای ظاهری آیه ۱۹ نساء «و لاتعضلوهن لیذهبوا ببعض ما آتیتموهن الا أن یاتین بفاحشة مبینه...» با استناد به روایتی معنای ظاهری آیه را تأکید می‌نماید.<sup>۶۰</sup>

\* رفع ابهام و حل مشکل بروی آیات: مانند روایتی که در تفسیر «الصلوة الوسطی» در ذیل آیه: حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی (بقره، ۲/ ۲۳۸) می‌آورد<sup>۶۱</sup> و یا روایتی که برای رفع ابهام از آیه کلاوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر (بقره/ ۱۸۷) در توضیح، خیط أبيض و خیط أسود نقل می‌کند.<sup>۶۲</sup>

\* تأثیر ایشان از روایات برای تفسیر آیه بدون ذکر آیه: ایشان در تفسیر «رحمن و رحیم» عباراتی را می‌آورد که عیناً متن روایات اهل بیت است و لکن اشاره به وجود روایتی در این زمینه نمی‌کند.

من جهة المعنى فرق است برای آن که «رحمان» منعم باشد بر جمله خلقان مؤمن و کافر، برّو فاجر، مطیع و عاصی؛ و «رحیم» خاص رحمت کند بر مؤمنان دون کافران و لفظ «رحمان» اطلاق نکنند مگر بر خدای تعالی و بیرون از خدای تعالی کس را «رحمان» اطلاق نکنند.<sup>۶۳</sup>

\* ذکر روایات در فضیلت سوره‌ها و فضیلت قراءات آنها: در ابتدای ورود به تفسیر سوره‌ها روایاتی چند در این باره نقل می‌کنند، مانند آنچه در ابتدای سوره فلق و اخلاص نقل کرده‌اند.<sup>۶۴</sup>

\* تناسب روایت با مفاد آیه: مانند روایتی که در ذیل آیه ۴ سوره اللیل «ان سعیمک لشی» می‌آورد که مردم در سعی و تلاش دو دسته می‌شوند. «بهری سعی می‌کنند در نجات خود و بهری سعی می‌کنند در هلاک خود. بیان قول رسول علیه السلام است که گفت: ... مردم دواند: یکی آن است که خود را بخرد و آزاد کند و یکی آن است که خود را بفروشد و هلاک کند.»<sup>۶۵</sup>

\* تعیین مکی و مدنی بودن سور قرآن کریم:

علاء بن المسیب روایت می‌کند از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که او گفت: نزلت فاتحة الكتاب بمكة من کنیز تحت العرش، گفت امیرالمؤمنین که: این سورت به

مکه فرود آمد از کنزی در زیر عرش . ۶۶

\* تعیین آیات ناسخ و منسوخ: ابوالفتوح در بحث وضعیت بحثی را در مورد آیات ناسخ و منسوخ در موضوع وصیت مطرح می‌کنند و در آنجا از روایاتی بهره می‌برند . ۶۷

\* تأویل آیات متشابه: ابوالفتوح در تأویل آیه *إلى ربها ناظرة قيامه*، (۲۳/۷۵) از ذکر تأویلات مختلف بر این آیه، تأویلی را به استناد روایت ذکر می‌کند: «تأویل درست آن است که «نظر» به معنای انتظار است و این تأویل روایت کرده‌اند از عبدالله عباس و... و روایت کرده‌اند از امیرالمؤمنین علی علیه السلام» ۶۸

ابوالفتوح غیر از موارد مذکور در موارد دیگری نیز برای تفسیر آیات و روشن شدن مفاد آیات از روایات بهره می‌برد مانند بیان شأن نزول آیات و سور از منظر روایات و... . لکن بحث جامع جایگاه روایات تفسیری در تفسیر *روض الجنان* احتیاج به نوشتاری مجزا دارد .

## ۲. نقش شأن نزول‌ها در روش تفسیری ابوالفتوح رازی

استفاده و استناد به شأن نزول آیات برای فهم مدلول آیه یکی از روش‌های بیشتر مفسران می‌باشد . مفسران قبل از ورود به آیه و طرح مباحث دیگر در مورد دلالت آیه مورد نظر - در صورت داشتن شأن نزول - سبب نزول و شأن نزول آیه را مطرح می‌کنند و از آن برای نزدیکی به فهم مدلول آیه استفاده می‌کنند . ابوالفتوح نیز در تفسیر خود از شأن نزول آیه بهره فراوان برده است و ذکر آن را از واجبات بر مفسر می‌داند «باید... آیاتی که وارد باشد بر سببی سبب نزول آن گفتن .» ۶۹

البته ایشان در حصار تنگ شأن نزول نمی‌ماند و مدلول آیه را خلاصه در مصداق و حادثه سبب نزول نمی‌کند بلکه تنها از شأن نزول برای ورود به فهم آیه بهره می‌برد و آیه را حمل بر مفهوم عام خود که شامل مصادیقی مشابه مصداق شأن نزول می‌شود، می‌کند .

ابوالفتوح گاهی شأن نزول آیه را از زبان اهل بیت نقل می‌کند . ۷۰ گاهی شأن نزول‌های متفاوتی برای یک آیه از زبان مفسران مختلف از صحابه و تابعین نقل می‌کند، بدون آنکه یکی را ترجیح بدهد . ۷۱ و گاهی نیز بعد از نقل شأن نزول‌های مختلف یکی را به قرینه‌ای ترجیح می‌دهد . ۷۲

## ۳. بررسی روش تفسیری «قرآن به قرآن» در *روض الجنان*

مرحوم علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر شریف *«المیزان»* تنها روش تفسیر قرآن را «تفسیر قرآن به قرآن» می‌داند و در آنجا ادله‌ای را برای اثبات این نظریه مطرح می‌نماید . صرف نظر

از صحت و سقم این نظریه باید گفت که ابوالفتوح رازی (ره) نیز در روض الجنان از این روش بهره برده است اما ایشان از این روش در کنار روش‌های دیگر (تفسیر بالمأثور - تفسیر ادبی و لغوی - تفسیر شأن نزولی - تفسیر عقلی و...) استفاده کرده است. در این نوشتار ما تنها مواردی از تفسیر قرآن به قرآن را در روض الجنان فهرست می‌کنیم و استقراء کامل موارد نیاز به نوشتاری مفصل و مستقل در این مقوله دارد.

\* استفاده از تکرار یک واژه برای تفسیر آیه: ابوالفتوح رازی در چنین مواردی جهت تبیین مفردات یک آیه به آیه دیگر متمسک می‌کند و یا اینکه برای تبیین مصداق یک واژه به آیه دیگر متمسک می‌شود. مثلاً برای توضیح واژه «واصب» که در آیه ۹ سوره صافات آمده است از آیه مشابه با این آیه در این واژه استفاده می‌کند. عبارت ابوالفتوح در ذیل آیه ۹ صافات «و لهم عذاب واسب» این چنین است: واسب ای دائم و ایشان را عذابی باشد داریم که منقطع نشود نظیره قوله: ... و له الدین واسباً (نحل، ۵۲/۱۶). ۷۳

\* استفاده از تکرار چند واژه برای فهم آیه: گاهی اوقات ابوالفتوح به جهت اشتراک دو آیه در چند واژه و کلمه یکی را با دیگری تفسیر می‌کند و در کنار هم قرار می‌دهد. مثلاً در ذیل آیه ۵ شوری: تکاد السموات یفتطرن من فوقهن... می‌فرماید: گفت: نزدیک است که آسمان بشکافد از بالای ایشان از عظم و فطیعت کلمه کفر که می‌گویند و شرک که به خدای می‌آرند و در حق او اثبات زن و فرزند می‌کنند و مثله قوله: تکاد السموات یفتطرن منه و تنشق الأرض و تخرّ الجبال هدا أن دعوا للرحمن ولداً (مریم، ۹۰/۱۹ - ۹۱) ۷۴

\* تشابه معنوی و ارتباط موضوعی دو آیه: آیاتی وجود دارند که اگر چه تشابه لفظی با هم ندارند اما چون دارای تشابه در مفاد و معنا هستند اجمال یکی را می‌توان بواسطه دیگری برطرف کرد، ابوالفتوح در ذیل آیه: و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً (انسان، ۷/۷۶) برای تأیید این نظر که ضمیر «حبه» به طعام برمی‌گردد و به آیه و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة (حشر، ۹/۵۹) استفاده می‌کند.

\* تفسیر قرآن به قرآن برای تفسیر واژه: ابوالفتوح در ذیل آیه: یا ایها الذین آمنوا اتفقوا من طیبات ما کسبتم (بقره، ۶۷/۲) در تفسیر واژه «طیب» می‌گوید: «مراد به طیب، حلال است، دلیلش قوله تعالی: یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً مؤمنون، ۵۱/۲۳». ۷۶

\* تبیین مجملات آیات قرآن کریم توسط آیات دیگر: ابوالفتوح رازی جهت تبیین و توضیح آیه ۲۷ سوره صافات: و أقبل بعضهم علی بعض یتسألون، از آیات ۳۱ به بعد سوره سبأ استفاده

می کند. «گفت: بهری روی به بهری کنند و از یکدیگر می پرسند رؤسا از اتباع و سفله پرسند و اینان از ایشان و با یکدیگر خصومت می کنند. اینان ایشان را گویند: شما کردی که ما را بفریفتی و غرور دادی. اینان گویند: «بل شما اختیار بد کردی و تفصیل این در سوره سبأ پیامبر فی قوله: ... يقول الذين استغفوا للذين استكبروا لو لا انتم لکننا مؤمنين»<sup>۷۷</sup>

\* تفسیر قرآن به قرآن برای تفسیر قسمتی از آیه (تحلیل یک آیه برای دیگر): ابوالفتوح رازی در ذیل آیه ۴۷ بقره: یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و ائی فضلتکم علی العالمین از آیات دیگری برای فهم قسمت های مختلف این آیه استفاده می کند.

و ائی فضلتکم تفضیل ایشان بر دیگران به آن داد که در دگر آیت شرح داد من قوله: إذ جعل فیکم أنبیاء و جعلکم ملوکاً مانده، ۲۰/۵) در ایشان پیغامبران کرد و پادشاهان و ایشان را چیزهایی داد که جهانیان را نداد و من و سلوی از آسمان به ایشان فرو فرستاد و... قوله: علی العالمین... مراد آن است که: شما را تفضیل داد بر اهل روزگار خود برای آن که امت پیغامبر ما مفضل اند بر ایشان لقوله تعالی: کنتم خیر امة أخرجت للناس (آل عمران، ۱۱۰/۳)<sup>۷۸</sup>

\* تبیین مباحث ادبی و لفظی از راه تفسیر قرآن به قرآن: شیخ ابوالفتوح رازی ذیل آیه: فاذا قضیت الصلوة فانشرها فی الارض و ابتغوا من فضل الله (جمعه، ۱۰/۶۲) می نویسد: الله تعالی چون بیع پیش نماز محظور کرد بقوله: و ذروا البیع گفت: آن حطر چندان است تا نماز بکردن چون نماز گزارده باشید اگر خواهید در زمین پراکنده شوید و این لفظ اگر چه به صورت امر است مراد به او اباحت است و مثله قوله: ... و اذا حللتم فاصطادوا... (مانده، ۲/۵)<sup>۷۹</sup> موارد استفاده از روش تفسیری «قرآن به قرآن» به چند مورد مذکور خلاصه نمی شود و موارد دیگری را در تفسیر روض الجنان می توان یافت.

یکی از روش ها و ضوابطی که ابوالفتوح در خلال تفسیر خود از آن بهره برده است استناد به «وحدت سیاق» است. این مطلب به یک معنا به پیش فرض ارتباط آیات با یکدیگر باز می گردد و به معنای دیگر از ضوابط و مصادیق تفسیر قرآن به قرآن شمرده می شود. ابوالفتوح رازی با استشهاد به «سیاق و وحدت سیاق» بیشتر اوقات مراد از واژه ای را در آیه روشن می کند. مثلاً ایشان در بیان مراد از «کلمات» در آیه: و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماماً... (بقره، ۱۲۴/۲) می گوید: «کلمات هم این است که در آیت است، من قوله تعالی: انی جاعلک للناس اماماً... گفت: من تو را امام مردمان خواهم کردن و این قول از همه

قوی‌تر است برای آن که هم در آیت است و سخن منقطع نیست و سیاق آیت بر او دلیل می‌کند»<sup>۸۰</sup>

در ادامه تفسیر همین آیه و برای روشن کردن مراد از «عهد» در لاینال عهدی الظالمین به سیاق استناد می‌کند بدون اینکه نامی از آن ببرد. «مراد به عهد امامت است و قرینه آیت دلیل صحت این می‌کند برای آن که ابراهیم علیه السلام برای ذریت امامت خواست، خدای تعالی نفی عهد کرد لابد باید که معنی عهد امامت بود تا کلام ملایم باشد و الا جواب بر وفق سؤال نبود و با کلام حکیم نماند...»<sup>۸۱</sup>

نتیجه: حاصل آنچه در دو بخش این مقاله در مورد ویژگی‌های تفسیری و منهج تفسیری روض الجنان گذشت این است که این تفسیر را باید از تفاسیر اجتهادی، عقلانی، لغوی و ادبی، اثری و احکامی به حساب آورد. اگر چه ما برای توصیف این تفسیر مباحث مختلف این تفسیر را به صورت جداگانه به بحث نشستیم و مطالب تفسیر را تجزیه کردیم و لکن هر محقق که نظری اجمالی به تفسیر بیفکند این مطلب را می‌یابد که همه یا بیشتر این مباحث در ذیل تک تک آیات مطرح و بکار گرفته شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ریاست جامع علوم انسانی

- |                                     |  |
|-------------------------------------|--|
| ۱. روض الجنان، ۱/۱ و ۲.             | ۱۳. همان، ۱/۸۳، ۲۰/۲۸۸.                          |
| ۲. همان/۲۴.                         | ۱۴. همان/۱۷۶.                                    |
| ۳. همان/۵.                          | ۱۵. همان، ۲/۳.                                   |
| ۴. همان/۱۱۳.                        | ۱۶. همان، ۲/۳۳۳.                                 |
| ۵. همان/۳ و ۴، ۵.                   | ۱۷. همان، ۳/۲۳۸.                                 |
| ۶. همان ۲/۳۴۱ و در جای دیگر، ۳/۳۲۷. | ۱۸. همان، ۱/۸۸، ۱/۱۶۲.                           |
| ۷. همان/۱۰۰ تا ۱۰۲.                 | ۱۹. همان، ۲/۵.                                   |
| ۸. همان/۱۸۳.                        | ۲۰. همان/۱۹۹.                                    |
| ۹. همان، ۱/۱۷۵.                     | ۲۱. همان، ۳/۳۸.                                  |
| ۱۰. همان/۱۹۹.                       | ۲۲. همان/۲۴۲.                                    |
| ۱۱. همان، ۲/۱۹.                     | ۲۳. مانند حکم ربا در مذاهب و فرق مختلف، همان، ۴/ |
| ۱۲. همان/۴۶۶.                       | ۱۰۰ تا ۱۰۲.                                      |



۲۴. مانند بحث قبله از نظر شیعه و اهل سنت، همان، ۲/ ۲۱۱.
۲۵. بیان اقسام روزه در فقه شیعه، همان، ۳/ ۲۰ تا ۲۳.
۲۶. همان، ۴/ ۸۰.
۲۷. همان، ۲/ ۲۰۳-۲۰۴.
۲۸. همان، ۲۰/ ۳۶۱-۳۶۲.
۲۹. همان/ ۳۷۰.
۳۰. همان/ ۴۷۳-۴۷۴.
۳۱. همان، ۱/ ۱۱۳.
۳۲. همان/ ۱۸۷؛ ۲/ ۱۰۰، ۱۰۱.
۳۳. در مورد عدد احادیث مراجعه شود به کتاب «تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی».
۳۴. روض الجنان، ۴/ ۱.
۳۵. همان/ ۵.
۳۶. همان/ ۱۰۲.
۳۷. این روایت در تفسیر روض الجنان بدون استناد به امام رضا (ع) آمده و در تفسیر تبیان با استناد به آن حضرت آمده است. تبیان، ۱/ ۵۵.
۳۸. روض الجنان، ۱/ ۱۰۳.
۳۹. همان/ ۲۱۷.
۴۰. همان، ۵/ ۳۰۵، ۳۰۶.
۴۱. همان/ ۲۸۷.
۴۲. همان، ۴/ ۷۳.
۴۳. همان، ۲/ ۱۱۶.
۴۴. همان، ۱/ ۲۱۷.
۴۵. همان، ۴/ ۵۲.
۴۶. همان، ۳/ ۳۳۷؛ ۴۰۷؛ ۴۱۵.
۴۷. همان، ۱/ ۸۱ و ۸۲؛ ۲۲ و ...
۴۸. تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ۱/ ۱۲۹.
۴۹. همان/ ۲۳۰.
۵۰. بحث تفصیلی این موضوع در مقاله ای از نگارنده با عنوان «مقایسه جایگاه اهل بیت و صحابه در تفسیر روض الجنان»، در مجموعه مقالات کنگره اندیشه های ابوالفتوح
- به چاپ رسیده است.
۵۱. روض الجنان، ۳/ ۱۵۸-۱۶۲.
۵۲. همان، ۱۵/ ۴۱۷.
۵۳. همان، ۲/ ۲۲۵.
۵۴. همان، ۱۹/ ۸۳-۸۵.
۵۵. همان، ۲/ ۶۰.
۵۶. همان/ ۳۱۴.
۵۷. همان، ۳/ ۲۱۸.
۵۸. همان، ۱/ ۸۹.
۵۹. همان، ۷/ ۳۶۱.
۶۰. همان، ۵/ ۲۹۶.
۶۱. همان، ۳/ ۳۱۷ و ۳۱۸.
۶۲. همان/ ۵۶.
۶۳. همان، ۱/ ۵۸.
۶۴. همان، ۲۰/ ۴۷۰.
۶۵. همان/ ۳۰۱.
۶۶. همان، ۱/ ۳۴.
۶۷. همان، ۳/ ۳۲۷.
۶۸. همان، ۲۰/ ۵۶، ۵۷.
۶۹. همان، ۱/ ۲.
۷۰. همان، ۲۰/ ۳۷۳؛ ۳/ ۱۵۹، ۱۶۰.
۷۱. همان، ۲/ ۲۱.
۷۲. همان، ۱/ ۱۷۵.
۷۳. همان، ۱۶/ ۱۸۰.
۷۴. همان، ۱۷/ ۱۰۳.
۷۵. همان، ۲۰/ ۷۵.
۷۶. همان، ۴/ ۶۴.
۷۷. همان، ۱۶/ ۱۸۵.
۷۸. همان، ۱/ ۲۶۳.
۷۹. همان، ۱۹/ ۲۱۷، ۲۱۸.
۸۰. همان، ۲/ ۱۴۱.
۸۱. همان/ ۱۴۳.